

وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله و سلم: اني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و

عترتي اهل بيتي؛ فانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض .

الحمد لله و سبحانك؛ اللهم صل على محمد و آله مظاهر جمالك و جلالك و

خزائن اسرار كتابك الذي تجلي فيه الاحديه بجميع اسمائك حتى المستأثر منها

الذي لا يعلمه غيرك؛ و اللعن على ظالميههم اصل الشجره الخبيثه .

و بعد، اينجانب مناسب می دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب «ثقلین» تذکر

دهم؛ نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی، که قلم مثل منی عاجز است

از جسارت در مرتبه‌ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود، از ملک تا ملکوت

اعلی و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق

طاقت، اگر نگویم ممتنع است؛ و نه از آنچه بر بشریت گذشته است، از مهجور

بودن از حقایق مقام والای «ثقل اکبر» و «ثقل کبیر» که از هر چیز اکبر است
جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است؛ و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از
دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با
قصور اطلاع و وقت محدود؛ بلکه مناسب دیدم اشاره‌ای گذرا و بسیار کوتاه از
آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم .

شاید جمله لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود
مقدس رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - هرچه بر یکی از این دو گذشته
است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است، تا
آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند. و آیا این
«حوض» مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریا است،
یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد. و باید گفت آن ستمی که از
طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - گذشته،
بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است .

و ذکر این نکته لازم است که حدیث «ثقلین» متواتر بین جمیع مسلمین است و (در) کتب اهل سنت از «صحاح ششگانه» تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - به طور متواتر نقل شده است. و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف؛ و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند؛ و اگر عذری برای جاهلان بیخبر باشد برای علمای مذاهب نیست .

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم - مسائل اُسفانگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی؛ و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر

اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - دریافت کرده بودند و ندای انّی تارکُ فیکُمُ
الثقلان در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده،
آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را - که برای بشریت تا ورود به
حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است - از صحنه
خارج کردند؛ و بر حکومت عدل الهی - که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس
بوده و هست - خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی
را پایه‌گذاری کردند، تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است .
و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن
کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری،
از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی(ص) تنزل کرد که بشریت را به
آنچه باید برسند برساند و این ولیده «علم الاسماء» را از شر شیاطین و
طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست
اولیاء الله، معصومین - علیهم صلوات الاولین و الاخرین - بسپارد تا آنان به
هر که صلاح بشریت است بسپارند - چنان از صحنه خارج نمودند که گویی

نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامهٔ جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع‌الاسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیلهٔ جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیلهٔ تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی‌الله علیه و آله و سلم - و قرآن و سنت مشحون آن است، سخن می‌گفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمهٔ «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست .

و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیلهٔ حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی، که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف

می‌فرستند و با این حیلۀ شیطانیه قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بیخبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند. و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروتهای بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محالّ تبلیغاتِ مذهبِ ضد قرآنی می‌کند و وهابیت، این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند؛ و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرتها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان

می‌کشاند نجات دهد .

و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند
تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بنده رها شده از تمام قیود،
مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است .

ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی
و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و
حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است .

ما مفتخریم که ائمه معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر
حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم آلف التحیات والسلام - که به قدرت
خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند .

ما مفتخریم که ادعیه حیاتبخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه

معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیة» امامان و «دعای عرفات»
حسین بن علی - علیهما السلام - و «صحیفه سجادیه» این زبور آل محمد و
«صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه
است از ما است .

ما مفتخریم که «باقرالعلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای
تعالی و رسول - صلی الله علیه و آله - و ائمه معصومین علیهم السلام - مقام او
را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است .

و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی پایان است،
یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین - علیهم صلوات الله - و
متعهد به پیروی آنانیم .

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما - صلوات الله و سلامه علیهم - در راه تعالی
دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از

ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی
حکومت‌های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم
که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ملت ما در
این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را
نثار راه خدا می‌کنند .

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های
فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه
تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در
آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است
شرکت، و از محرومیتهایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام
اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و
متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به
دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده

بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب‌گونه - علیها سلام‌الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا .

و ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند. و در رأس آنان امریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که

برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند؛ و خیال ابلهانه «اسرائیل بزرگ»! آنان را به هر جنایتی می‌کشاند. و ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت پیشه‌دوره‌گرد، و حسن و حسنی مبارک هم آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به امریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت‌های خود رویگردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام علفی است که دوست و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ‌نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد .

و ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغات جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگ‌های جنگی‌اش و آنهمه

دولت‌های سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروتهای بی‌پایانِ ملت‌های مظلوم
عقب‌افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور
ایران و کشور حضرت بقیة‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - آنچنان وامانده و
رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود! و رو به هر کس می‌کند جواب
رد می‌شنود! و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالی - جلّت
عظمتُه - که ملتها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات
ستمشاهی به نور اسلام هدایت نموده .

من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که
از این راه مستقیم الهی که نه به شرقِ ملحد و نه به غربِ ستمگرِ کافر وابسته
است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار
و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه [ای] از شکر این نعمت غفلت نکرده و
دست‌های ناپاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از
خارجی، تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند؛ و بدانند که هرچه

رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشتلم می‌زنند دلیل
بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم
در عوالم دیگر خواهد داد. «إِنَّهُ وَلِيُّ النَّعَمِ وَ بَيِّدَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ».

و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور
شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله
دست از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و
عظمت ملت‌ها است، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی
است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب
گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی، مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی
و حکومت عدل الهی است. و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر
سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند، که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات
حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه

اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین -
صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه‌الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد -
هیچ‌گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم‌السلام - برای بزرگداشت
این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت
است، تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ
الی‌الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه لعنة‌الله علیهم - با
آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و
زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌شکن است .

و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم
سلام‌الله - به‌طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر
یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست
امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این
خائنین به حرم بزرگ الهی - لعنة‌الله و ملائکته و رسله علیهم - است به‌طور

کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت

بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین، بویژه

شیعیان ائمه اثنی عشر

- علیهم صلوات الله و سلم [است .]

و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی اینجانب

اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و

مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد .

از خداوند - عزوجل - عاجزانه خواهانم که لحظه ای ما و ملت ما را به خود

واگذار نکند و از عنایات غیبی خود به این فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز

لحظه [ای] دریغ نفرماید .

روح الله الموسوی الخمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهدۀ قلم و بیان والاتر و برتر است. اینجانب، روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم و زاد راه پرخطر هم‌ان دلبستگی به کرم کریم مطلق است، به عنوان یک نفر طلبۀ حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقای دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هرچه بیشتر آن دارم، به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسلهای عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض می‌نمایم. و از خداوند بخشاینده می‌خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید .

1) ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از

ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست
توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی
و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنیهای
بیحساب قلمداران و زبان مُزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل
ضداسلامی و ضد ملی به صورت ملیت، و آنهمه شعرها و بذله گوییها، و آنهمه
مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای
کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز
خود فعالیت نمایند، به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه، که به دست
شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف
سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل می شد، و از همه بدتر وضع
دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان
سپرده می شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غربزده یا شرقزده
صد درصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام «ملیت» و
«ملی گرایی»، گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت

فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاریهای حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است .

(2) اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت

فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن

دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم - علیه السلام - تا خاتم‌النبین - صلی الله علیه و آله و سلم - در راه آن کوشش و فداکاری جانفرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام - علیهم

صلوات الله - با کوششهای توانفرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن
کوشیده‌اند. و امروز بر ملت ایران، خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان، عموماً،
واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در
مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه
ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. و امید
است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و
ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند، و دست ابرقدرتهای عالمخوار و
جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند .

اینجانب که نفسهای آخر عمر را می‌کشم به حسب وظیفه، شطری از آنچه در
حفظ و بقای این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن
را تهدید می‌کنند، برای نسل حاضر و نسلهای آینده عرض می‌کنم و توفیق و
تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم .

الف بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز

پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن

اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در

سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد .

اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام

و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگرانِ خارج و داخل از

کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن

سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و

بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست که

بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را

صرف شایعه‌ها و دروغهای تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن

صرف می‌کنند. بی‌انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به

منطقه. و مع‌الاسف در بین آنان از سردمداران و حکومت‌های بعضی کشورهای

اسلامی، که جز به منافع شخص خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته

تسلیم امریکا هستند دیده می‌شود؛ و بعض از روحانی نماها نیز به آنان

ملحقند .

امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و

اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است.

توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر، آن

است که در مقابل این توطئه‌ها عکس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت

خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند .

ب از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و

بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامن‌دار با

ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملتها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام

است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل

وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه و شیطنت‌آمیز به گونه‌ی طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و انکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است! و مع‌الاسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بیخبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه‌ی یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند! و این فاجعه‌ی بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود .

گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا
غرضمندانه خود را به بی‌اطلاعی می‌زنند. زیرا اجرای قوانین بر معیار قسط و
عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و
اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کجرویها، و آزادی بر معیار عقل و
عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد، و
حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی
یک جامعه، و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و
صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و
زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابه آن است که گفته شود قواعد
عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر
نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از
ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن
روش کهنه شده! و ادعای آنکه اسلام با نوآورها مخالف است - همان سان
که محمدرضا پهلوی مخلوع می‌گفت که اینان می‌خواهند با چهارپایان در این

عصر سفر کنند - یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند .

و اما طایفه دوم که نقشه موزیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند. باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول‌الله - صلی‌الله علیه و آله - آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام(ص) تشکیل حکومت داد مثل

سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب - علیه‌السلام - نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است. و پس از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده؛ و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بسیارند .

اینجانب در این وصیتنامه با اشاره می‌گذرم، ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا - علیهم‌السلام - به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن

تحدیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و
بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق
برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامهٔ عدالت اجتماعی، همان
است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام - صلی‌الله علیه و
آله - و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات
و اقامهٔ آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها
بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هوشیار ایران با دید اسلامی این
توطئه‌ها را خنثی نمایند. و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند
و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند .

ج و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موزیانه‌تر، شایعه‌های وسیع در سطح
کشور، و در شهرستانها بیشتر، بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای
مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شغف فداکاری کردند که از رژیم
ظالمانهٔ طاغوت‌رهای یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند! مستکبران مستکبرتر

و مستضعفان مستضعف‌تر شدند! زندانها پر از جوانان که امید آتیۀ کشور است می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانیت‌ر است! هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند به اسم اسلام! و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند! این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است! مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام‌آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند! اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده! و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا می‌شود. و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هرچند روز یک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سر زبانها می‌افتد؛ در تاکسیها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود؛ و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می‌شود. و مع‌الاسف بعض روحانیون که از حیل‌های شیطانی بیخبرند با تماس یکی - دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است. و اساس مسأله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور می‌کنند

اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاریهای
عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود
اسلام است ندارند - و چشم بسته و بیخبر امثال این مطالب را شنیده و خود
نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند .

اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین
انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و
ملتهایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است، و
قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوتزده از ناحیه رضاخان و بدتر از
آن محمدرضا که در طول چپاولگریهایشان برای این دولت به ارث گذاشته‌اند،
از وابستگیهای عظیم خانمانسوز، تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و
ارتش و مراکز عیاشی و مغازه‌های مسکرات فروشی و ایجاد بی‌بندوباری در
تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها
و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و وضعیت جوانها و زنها و وضعیت

روحانیون و متدینین و آزادیخواهان متعهد و بانوان عقیف ستمدیده و مساجد
در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و
رسیدگی به زندانها و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه داران
و زمینخواران بزرگ و محترکان و گرانفروشان و رسیدگی به دادگستریها و
دادگاههای انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به
حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای دولت و استاندارها و سایر
مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به
عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب
آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری
به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده‌های شهدا
و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به
حصر اقتصادی و توطئه‌های پی در پی امریکا و وابستگان خارج و داخلش
(اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع) و هرج
و مرجهایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در

دست اجرا است و دهها مسائل دیگر، تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل، به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید؛ و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا و ولیده‌ای است محفوف به دشمنهای خارج و داخل، رحم کنید. و شما اشکال تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید؛ و به جای طرفداری از منافقان و ستمگران و سرمایه‌داران و محترکان بی‌انصاف از خدا بیخبر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید؛ و به جای گروه‌های آشوبگر و تروریست‌های مفسد و طرفداری غیرمستقیم از آنان، توجهی به ترور شدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید؟

اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند؛ لکن عرض می‌کنم که قوه

مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت دهها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمال آسانتر و سریعتر خواهد بود. و اگر خدای نخواستہ اینان به خود نیابند، چون تودۀ میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است، آمال انسانی - اسلامی به خواست خداوند متعال جامۀ عمل به طور چشمگیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند .

من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و تودۀ میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سورۀ

«توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعدهٔ عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند. و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا - علیه السلام - آن شد که شد. و آنان که در

شهادت دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می کنند و چه حماسه‌ها می آفرینند. و می بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده می کنند. و می بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبه‌رو می شوند. و اینها همه از عشق و علاقه و

ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - هستند، و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم.

و اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بیطرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروهها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروهها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و

رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضعی‌هایشان در پیشامدهای مختلف را، با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان؛ نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد، ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند .

برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید . ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلبهای جوان شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته ما و شما با رحمت و اسعه خود بگذرد. شماها نیز در خلوتها

از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمان است .

و یک وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملت‌های مبتلا به حکومت‌های فاسد و

دربند قدرتهای بزرگ می‌کنم؛ اما به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی

که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید همچون

عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه

آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از

مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ**

يَنْصُرْكُمْ و **يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** . و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل

شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون

محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید .

و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را

بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و

ستمیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی
رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون
خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و
حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند
و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک
حکومت اسلامی است .

و اما به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از
ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جائر خود را در صورتی که به
خواست ملتها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت به
جای خود بنشانید، که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و
غرب می‌باشند. و اکیداً توصیه می‌کنم که به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام و
جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه
بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود .

د از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سالهای طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهای مختلف دنباله‌گیری شد، به انزواکشاندن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن، و در زمان محمدرضا با نقشه و روشهای دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد؛ و معالاسف به واسطه بیخبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشمگیری گرفته شد. از یک طرف، از دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غریبزدگان یا شرقزدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام

بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان، متنفر
باشند. و اینان را عمال انگلیس در آن زمان، و طرفدار سرمایه‌داران و
زمینخواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی
می‌نمودند. و از طرف دیگر، با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان
را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و
مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند. نتیجه آنکه دولتمردان مخالف
ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند؛ و توده‌های مردم که علاقه به
دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است
باشند، و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای
چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام
ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود، چنانچه دیدید به سر این ملت مظلوم
چه آمد، و می‌رفت که چه آید .

اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت - از روحانی و دانشگاهی

تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها - بند اسارت را پاره و سد قدرت
ابر قدرت‌ها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند،
توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و
جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند
دوستی و تفاهم را محکمتر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های
دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و
رفتار خود در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت
نمایند؛ و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و
نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می‌توان گرفت. و
مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را
ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه
روحانیون و محصلین علوم دینی است. و توطئه‌ها در دانشگاه‌ها از عمق
ویژه‌ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید
مواظب توطئه‌ها باشند .

ه از جمله نقشه‌ها که مع‌الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غربزده و شرقزده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصهٔ این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است .

و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیدهٔ زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه‌داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به‌قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای

خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این
پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش
خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب
و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرقزده
بی فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را
سرکوب و مأیوس نموده و می نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل
و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی
آنها را به خورد ملتها داده و می دهند. فی المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا
گفتاری چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و
گوینده و نویسندۀ آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می آورند. و از گهواره
تا قبر به هرچه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم گذاری شود مرغوب و
مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب، و اگر واژه های بومی
خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپسزده خواهد بود. کودکان ما اگر نام
غربی داشته باشند مفتخر؛ و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده اند.

خیابانها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکتها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها، و دیگر متاعها، هرچند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاستها و در معاشرتها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطبای دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پر ارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن، و در مقابل، تعهد به این امور نشانهٔ عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است .

اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً، و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و

دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً و مراکز تبلیغاتی علیه
دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک‌دیدنها و یا ناچیزدیدنها، ما را از هر
فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم
کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل
ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکانه و به مسابقه کشاندن
خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستانهای غم‌انگیز
دارد، و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند با
فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها، و دهها از این مصائب حساب شده،
برای عقب نگهداشتن کشورهاست. من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به
ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دامها
نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که
بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان
نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و
همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان

اینها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزانتر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم .

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنید .

و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسانهای شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختیها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب .

و بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های
آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و
معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز
جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند .

و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های
انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرتها و بی‌بند و
باریها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما
عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و
اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن نخائر شما و به بند استعمار و ننگ
وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر
نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب‌مانده، و به
اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند .

و از توطئه‌های بزرگ آنان، چنانچه اشاره شد و کراراً تذکر داده‌ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشهٔ آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است؛ یا با سرکوبی و خشونت و هتاک‌ها که در زمان رضاخان عمل شد ولی نتیجهٔ معکوس گرفته شد؛ یا با تبلیغات و تهمت‌ها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضاخان عمل می‌شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود؛ و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی موزیانه .

و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارتزدگی و غریبزدگی بکشانند و

قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سر و صدا، هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد .

پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است، بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود؛ و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است .

و اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول، و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم، و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای

کشور در مرحله بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپارید. و به همه نسلهای مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام‌آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرقزدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد .

ز از مهمات امور، تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیرصالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد؛ و چه مصیبتها و خسارتهای جانفرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک اکثریت قلبی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواستند، با

دست همین منحرفان از خدا بیخبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی
کشانند. از بعد از مشروطه، هیچ گاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل
نشد - قبل از رضاخان با تصدی غربزدگان و مشتی خان و زمینخواران؛ و در
زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن .

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشان سرنوشت کشور به
دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان، بدون دخالت
دولت و خانهای ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، و امید است که با
تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود. وصیت
اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به
احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به

اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین
می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم - به سوی غرب یا شرق - و بدون
گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و

سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند .

و به جامعهٔ محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم، وصیت می‌کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، کنار نکشند و بی‌تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنجهای بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غریب‌دگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد .

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همهٔ طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی،

مسامحه در امر مسلمین است. هرکس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرقزدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد .

و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد .

و به اقلیتهای مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعدد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرتهای جهانخوار و بدون گرایش به مکتبهای الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند .

و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار، و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواستہ از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آید .

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده، که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات

کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند .

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند .

از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام

می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آتی؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و ال کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ‌کس علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیلکرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتها به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند

بفهمند.

و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود. و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود؛ که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد، که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد

خواهد کرد که احتمال آن، که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند .

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند؛ و گمان ننمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام والایی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد، ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد .

از خداوند منان هادی با تضرع و ابتهال می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این

خطر قدری خفیفتر برای رؤسای جمهور حال و آینده و دولتها و دست‌اندرکاران، به حسب درجات در مسئولیتها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد .

ح - از مهمات امور مسألة قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالیترین مقام قضایی که در عهده دارند، کوشش کنند که اشخاص متعدده سابقه‌دار و صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند .

و از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع آسفناک و غم‌انگیزی درآمده بود با جدیت سر و سامان دهند؛ و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت

اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند، و با پشتکار و جدیت بتدریج دادگستری را متحول نمایند؛ و قضات دارای شرایطی که، ان شاء الله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند، به جای قضاتی که شرایط مقررۀ اسلامی را ندارند نصب گردند، که ان شاء الله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند .

و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می‌کنم که با درنظر گرفتن احادیثی که از معصومین - صلوات الله علیهم - در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه درباره قضاوت به غیر حق وارد شده است، این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلس سپرده شود. و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز نزنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند؛ و بدانند که همان طور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است. و می‌دانند که تصدی قضا

برای اهلش واجب کفایی است.

ط - وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورت‌های مختلف از ملیگراها و روشنفکران مصنوعی و

روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسان‌ترند ذخیره

دارند که گاهی سی - چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا

«پان‌ایران‌یسم» و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان

ملتها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و

ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل

«مجاهد خلق» و «فدایی خلق» و «توده‌ای»ها و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم

است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم‌تر

حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیة آن با مدرسین محترم و افاضل

سابقه‌دار است با تأیید مراجع وقت. و شاید تز «نظم در بی‌نظمی» است از

القائات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد .

در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر

حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن

به حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان

صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیّه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند .

و لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقاہت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریق مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیقها افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد. و البته در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود. و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی [است] ، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم - که

جهاد اکبر می باشد .

ی از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجراییه است.

گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و

شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست

مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با

کاغذبازیها یا پیچ و خمها که به آن عادت کرده اند یا عمداً برای نگران نمودن

مردم عمل کنند، که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد می کند .

وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن

است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانهها بودجه ای که از آن

ارتزاق می کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان

باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای

نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج

دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم پیشگان پست‌ها را اشغال می‌نمایند. بنابراین این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احترام‌نمایید .

و در همین انگیزه به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد. و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند؛ مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارند. اینجانب از ابتدای پیروزی به وزرای خارجه راجع به طاغوت‌زدگی

سفارتخانه‌ها و تحول آنها به سفارتخانه‌های مناسب با جمهوری اسلامی
توصیه‌هایی نمودم، لکن بعض آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام
دهند. و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد اگرچه وزیر خارجه کنونی
اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم
انجام گیرد .

و وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که
مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و
سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط
حسنة با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری
که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید
بدانید که وابستگی در بعض امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته
باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را
به تباهی خواهد کشید. و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با

کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد
کنید که خداوند با شماست .

و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از
خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام
اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق
می‌بخشد قیام کنید. و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها
را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با
ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و
نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند؛ و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام
است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که
هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این
برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق
یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید

روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود .

و وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همهٔ اعصار خصوصاً عصر حاضر که

ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائهٔ چهرهٔ

حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون، در این زمان که دست

ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های

گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمتها که گویندگان و

نویسندگان وابسته به ابرقدرتها به این جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمی‌زنند .

مع‌الاسف اکثر دولتهای منطقهٔ اسلامی که به حکم اسلام باید دست اخوت به ما

دهند، به عداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهانخواران از هر

طرف به ما هجوم آورده‌اند. و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است

و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد. و با کمال تأسف،

نویسندگان به اصطلاح روشنفکر که به سوی یکی از دو قطب گرایش دارند، به

جای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند، خودخواهیها و فرصت‌طلبیها و انحصارجوییها به آنان مجال نمی‌دهد که لحظه‌ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند، و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانه ارزنده را توأم با بعض آنچه را که از دست داده‌اند، که رفاه و عیشزدگی است، با آنچه از رژیم ستمشاهی دریافت می‌کردند توأم با وابستگی و نوکرمآبی و ثناجویی و مداحی از جرثومه‌های فساد و معادن ظلم و فحشا بسنجند؛ و از تهمتها و نارواها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و با ملت و دولت در صف واحد بر ضد طاغوتیان و ستم‌پیشگان زبانها و قلمها را به کار بگیرند .

و مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای

جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در

همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمیهای

دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در

همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان

متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر

گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه

خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری‌اند!

ک از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از

کودکستانها تا دانشگاهها است که به واسطه اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده

و با اشاره می‌گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به

ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است.

اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در

راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان

جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب‌کن بر ملت محروم غارتزده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج‌دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوه قضاییه و سایر ارگانها از دانشگاههای

نو